

دکتر جمشید ممتاز

توسعة تدريجی و تدوين حقوق بين الملل

توسط سازمان ملل متحد



مقدمه

از جمله وظایفی که منشور ملل متحد به مجمع عمومی سازمان ملل متحد محول می‌کند « تشویق توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن است ». به منظور فراهم کردن مقدمات این امر مجمع «موجبات انجام مطالعات و توصیه‌هایی را فراهم می‌کند». در سالهای نخست فعالیت سازمان ملل متحد، مجمع این مسؤولیت را ترجیحاً به کمیسیون حقوق بین الملل مرکب از کارشناسان حقوقی مستقل محول نمود. معهدا حساسیت روزافزون دولتها نسبت به ابعاد سیاسی جریان توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل و مسائل نوین حقوق بین الملل مجمع را بر آن داشت که به تدریج برای ارکان سیاسی متشکل از نمایندگان دولتها نقش بیشتری قائل شود.

اول: نقش کمیسیون حقوق بین الملل در توسعه

تدریجی و تدوین حقوق بین الملل

فکر واگذاری مسؤولیت فراهم کردن مقدمات توسعه و تدوین حقوق بین الملل به رکنی بین المللی متشکل از متخصصین حقوق بین الملل برای

اولین بار در قالب جامعه ملل شکل می گیرد. به پیشنهاد کمیته حقوقدانان این سازمان که مسئولیت تنظیم اساسنامه دیوان دائمی بین المللی دادگستری را به عهده داشت و پشتیبانی دولت سوئد، مجمع عمومی جامعه ملل با صدور قطعنامه ای به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۲۴ اقدام به تشکیل چنین رکنی می نماید. این کمیته موفق به تنظیم فهرستی از مسائل قابل بررسی حقوق بین الملل می شود و به سال ۱۹۲۷ توصیه می کند که توسعه تدریجی و تدوین قواعد حاکم بر نحوه تعیین مسئولیت بین المللی دولتها، نظام دریای سرزمینی و مقررات مربوط به تابعیت اشخاص حقیقی از اولویت برخوردار شوند. بدین منظور کنفرانس بین المللی با شرکت نمایندگان دولتها به سال ۱۹۳۰ در لاهه تشکیل می شود که تنها حاصل فعالیت آن تصویب کنوانسیون در خصوص تابعیت است.^۱

به منظور بررسی روشهای توسعه و تدوین حقوق بین الملل، مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه ای^۲ به تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۴۷ مبادرت به تشکیل کمیسیونی می کند. با الهام از تجربه جامعه ملل این کمیسیون به مجمع توصیه می کند که اقدام به تأسیس رکنی مرکب از کارشناسان مجرب در زمینه حقوق بین الملل بنماید. به تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع مبادرت به تأسیس کمیسیون حقوق بین الملل می نماید.^۳ این رکن فرعی مجمع رسماً در ۱۲ آوریل ۱۹۴۹ فعالیت خود را آغاز می کند.

در حال حاضر کمیسیون حقوق بین الملل مرکب از ۳۴ عضو است که براساس اصل تقسیم عادلانه جغرافیایی به مدت ۵ سال توسط مجمع از میان افرادی که توسط دولتها معرفی شده اند و در حقوق بین الملل شهرت دارند

۱. برای اطلاع از جزئیات روندی که منتهی به تشکیل کمیسیون حقوق بین الملل شد به کتاب
The International law commission and its work, fourth edition, United Nations, New York, 1989

UN. Doc. A/AC. 10/5 تحت عنوان

Historical survey of development of international law and its codification by international conferences

۲. قطعنامه شماره ۱۴ مجمع

۳. قطعنامه شماره ۱۷۴ مجمع

انتخاب می‌شوند. در زمان انتخاب کوشش خواهد شد که نمایندگی مکاتب بزرگ حقوقی در کمیسیون تضمین شود.

I - هدف از تشکیل کمیسیون حقوق بین‌الملل

هدف از تشکیل کمیسیون حقوق بین‌الملل تشویق جریان توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل است. در اساسنامه کمیسیون آمده که منظور از توسعه تدریجی، تکوین متونی در زمینه‌هایی است که حقوق بین‌الملل به آنها نپرداخته یا عملکرد دولتها در آنها هنوز در حد مطلوبی توسعه نیافته است. برعکس در مواردی که عملکرد دولتها کاملاً روشن و جا افتاده است، همچنین تصمیمات قضایی متعددی یافت می‌شود و علمای برجسته حقوق بین‌الملل به کرات نظرات خود را عرضه داشته‌اند اقدام در جهت ارائه دقیق‌تر قواعد به صورت مکتوب، تدوین حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. البته باید اذعان داشت که در عمل تفکیک بین توسعه تدریجی و تدوین امری دشوار است و غالباً کمیسیون حقوق بین‌الملل در حین تدوین حقوق بین‌الملل و بعد از شناسایی قواعدی که مبنای عرفی دارند کوشش می‌کند که حتی الامکان آنها را با شرایط جدید تطبیق دهد و یا در صورت لزوم به تکمیل این قواعد بپردازد.

حاصل فعالیت پنج دهه اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل تصویب بیست و پنج طرح است. تعدادی از آنها در قالب کنفرانسهای بین‌المللی که به دعوت مجمع عمومی تشکیل شده و بعد از بررسی‌های لازم و تغییراتی در قالب کنوانسیون‌هایی به تصویب نمایندگان تام‌الاختیار دولتها رسیده است. طرح‌هایی که در سالهای نخست فعالیت کمیسیون تنظیم شده و عملاً اقدام به تدوین حقوق بین‌الملل می‌نمایند با استقبال اکثریت دولتها مواجه شده و هم‌اکنون حاکم بر روابط بین‌المللی است؛ در صورتی که کنوانسیون‌هایی که به علت ماهیت موضوع نوآوری‌هایی را می‌طلبیده‌اند

۲. نگاه کنید: به سند A/CN. 4/4 Rev. 2 مورخ ۱۹۸۲ ملل متحد که حاوی آخرین تغییرات اساسنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل است

با مخالفت‌های جدی از سوی برخی از دولتها مواجه شده و عقیم مانده‌اند. به منظور جلوگیری از بروز چنین وضعیتی در سالهای اخیر کوشش شده که قبل از تشکیل کنفرانس بین‌المللی، طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل توسط مجمع عمومی مورد بررسی دقیق قرار گیرد و بعد از اصلاحات و تعدیل‌های لازم برای تصویب به نمایندگان تام‌الاختیار دولتها احاله شود.^۵

۱. کنوانسیون‌های لازم‌الاجرای مبتنی بر طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل

از جمله طرح‌هایی که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده و توسط کنفرانس‌های بین‌المللی به تصویب رسیده و هم‌اکنون لازم‌الاجرا می‌باشند باید از چهار کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو مربوط به حقوق دریا، کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین به ترتیب در خصوص حقوق دیپلماتیک و کنسولی و نهایتاً کنوانسیون ۱۹۶۹ وین مربوط به حقوق معاهدات نام برد. مشخصه اصلی و وجه اشتراک طرح‌های اولیه این کنوانسیون‌ها اولویت دادن به امر تدوین است. البته این واقعیت را نیز باید مدنظر داشت که در کلیه موارد، موضوعات مربوط به زمینه‌های سنتی روابط بین‌الملل بوده و عملاً فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل به شناسایی قواعد عرفی محدود شده و تنها در محدود مواردی از جمله ترتیبات کنوانسیون حقوق دیپلماتیک - در خصوص مصونیت‌های اعطایی به مستخدمین هیأت‌های نمایندگی - اقدام به نوآوری کرده است. کنوانسیون حقوق معاهدات نیز از چنین ویژگی برخوردار است و عملاً به استثناء

۵. فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع مطالعات متعددی است از جمله:

Alexander YANKOV "Strengthening the process of codification and development of international Law: The evolving functions of the international Law commission and increasing the commitments of states"

Eric SUY "Développement progressif et codification du droit international. le rôle de l'assemblée générale revisité"

این دو مقاله در کنگره حقوق بین‌الملل که از ۱۳ لغایت ۱۷ مارس ۱۹۹۵ توسط سازمان ملل متحد برگزار شد ارائه شد و قرار است در آینده نزدیکی به همت ملل متحد توسط بنیاد انتشاراتی martinus- nijhoff به چاپ برسد.

ترتیبات مربوط به قواعد آمره و اثرات تناقض معاهدات با این قواعد، کنوانسیون فبادرت به تدوین قواعد موجود نموده است. همین نوآوری که بدون تردید دارای ابعاد سیاسی مهمی است سبب شده که کنوانسیون حقوق معاهدات در مقایسه با کنوانسیون‌های حقوق دیپلماتیک و کنسولی با استقبال کمتری روبرو شود و تعدادی از دولتها، از جمله فرانسه - به علت مخالفت با مفهوم قاعده آمره تا کنون از الحاق به این کنوانسیون خودداری نمایند.

۲. کنوانسیون‌های عقیم مبتنی بر طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل

در حال حاضر چهار کنوانسیون که براساس طرح‌های پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل تنظیم و به تصویب کنفرانس‌های بین‌المللی رسیده به علت عدم استقبال دولتها عقیم مانده و بسیار بعید به نظر می‌رسد که در آینده به مرحله اجرایی برسند. این چهار کنوانسیون، اقدام به توسعه تدریجی و تدوین مجموعه مقرراتی راجع به فعالیت سازمان‌های بین‌المللی جهانی و جانشینی دولتها می‌نماید.^۶

دو کنوانسیون به فعالیت سازمان‌ها اختصاص داده شده که یکی کنوانسیون ۱۹۷۵ راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی جهانی و دیگری کنوانسیون ۱۹۸۶ حقوق معاهدات بین سازمان‌های جهانی و دولتها و معاهدات منعقد شده بین سازمان‌ها می‌باشد.^۷ کنوانسیون اول به اصرار دولی که میزبان این گونه سازمان‌ها نیستند و به منظور کسب امتیازات بیشتری از دولی که سرزمینشان محل استقرار این سازمان‌ها است تنظیم شده دولتهاى اخیر با این کنوانسیون

6. Sir Ian SINCLAIR "The impact of unratified codification convention" in realism in law making, essays on international law in honour of william RIPHAGEN, martinus nijhoff publishers, 1986- p. 211-246

7. Felice MORGENSTERN "the Convention on the law of treaties between states and international organizations or between international organizations" in International law at a time of perplexity, essays in honour of shabtai ROSENNE, martinus nijhoff publishers, 1986- p. 435-447.

مخالف اند و براین عقیده اند که مسائل ناشی از فعالیت سازمان‌های جهانی در قالب قراردادهای مقرر و کنوانسیونهای ۱۹۴۶ در خصوص مزایا و مصونیت‌های ملل متحد و کنوانسیون ۱۹۴۷ مربوط به مزایا و مصونیت‌های مؤسسات تخصصی حل شده و تصویب کنوانسیون جدیدی در این خصوص ضروری به نظر نمی‌رسد؛ مضافاً اینکه این کنوانسیون وظایفی فراتر از اسناد مذکور برای دول میزبان منظور می‌دارد. عدم استقبال از کنوانسیون مربوط به حقوق معاهدات سازمان‌های جهانی به این علت است که عملاً این کنوانسیون ملهم از کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات است و برخی از دولتها تمایلی ندارند که برای سازمان‌های جهانی به عنوان طرف حق و تکلیف در جامعه بین‌المللی وضعیت خاصی در نظر گرفته شود.

دو کنوانسیون نیز که عبارتند از کنوانسیون ۱۹۷۸ در خصوص جانشینی دولتها در معاهدات و کنوانسیون ۱۹۸۳ مربوط به جانشینی دولتها در اموال و آرشوها و قروض دولتی که به ابتکار دولتهای جدیدالاستقلال و به منظور حل مشکلات موجود در روابطشان با دول استعماری که در گذشته حاکم بر سرزمینشان بوده تنظیم شده‌اند. علت اصلی عقیم ماندن این دو کنوانسیون مخالفت دول اخیر با گستردگی تعهداتی است که برای آنها در نظر گرفته شده و همچنین این واقعیت که اغلب مسائل مطروحه در این خصوص در قالب معاهدات دو جانبه، بین طرفین ذی نفع حل و فصل شده‌اند. معهدا باید اذعان داشت که این دو کنوانسیون که در اصل برای حل مسائل ناشی از ختم استعمار تدوین شده در سالهای اخیر و به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی کاربرد داشته و در مواردی مورد استناد دول جانشین این دو فدراسیون قرار گرفته‌اند.^۸

8. Karl ZEMANEK "Does the codification lead to wider Acceptance?"

این مقاله نیز در کنگره حقوق بین‌الملل پیشگفته ارائه شده است.

۳. طرح های مصوب کمیسیون حقوق بین الملل که تحت بررسی مجمع

عمومی است

عدم توفیق این چهار کنوانسیون سبب شد که از این پس مجمع عمومی طرح های کمیسیون حقوق بین الملل را به نوبه خود مورد بررسی و بازبینی قرار دهد و تنها بعد از حصول اطمینان از پشتیبانی کافی دولتها آنها را برای تصویب به کنفرانسی بین المللی ارجاع کند. بدین ترتیب طرح مربوط به نظام حقوقی پیک دیپلماتیک و توشه دیپلماتیک که توسط پیک دیپلماتیک ارسال نمی شود به سال ۱۹۸۹ تکمیل شد. همچنین طرح مصونیت قضایی دولتها و اموالشان که به سال ۱۹۹۱ تحویل مجمع شد، عملاً در حکم طرح های نافرجام کمیسیون حقوق بین الملل تلقی می شوند. بررسی طرح مربوط به پیک توسط مجمع نشان داد که برخی از دولتها بر این عقیده اند که رعایت ترتیبات ایمنی ایجاب می کند که توشه از طریق تجهیزات الکترونیکی مورد بازرسی قرار گیرد و طرح کمیسیون که مبتنی بر اصل مصونیت کامل توشه است منطقی به نظر نمی رسد. عدم توفیق طرح مصونیت قضایی دولتها عملاً ناشی از تحولاتی است که بعد از خاتمه جنگ سرد در روابط بین المللی رخ داده است. برچیده شدن اغلب نظامهای سوسیالیستی و گسترش حوزه فعالیت بخش خصوصی، از تعداد دولتهایی که طرفدار تفسیر موسع اعمال حاکمیت به منظور تسری مصونیت قضایی به برخی از فعالیت های بخش دولتی بوده اند کاسته است.

در حال حاضر دو طرح دیگر کمیسیون حقوق بین الملل تحت بررسی گروه های کاری است که توسط مجمع تأسیس شده اند، که یکی طرح اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است، که به ابتکار دول غربی از طرح قانون جنایات علیه صلح و امنیت بین المللی منفک و به صورت موضوع جداگانه ای در دستور کار کمیسیون قرار گرفت و به سال ۱۹۹۴

9. KESSEDJIAN Catherine "Le projet d'articles de la commission du droit international des Nations Unies sur les immunités des Etats. Revue Générale de Droit International Publiç, volume 92 N: II 1992, p.299-341.

تحويل مجمع عمومی شده^{۱۰} و از این تاریخ مورد بازبینی دقیق گروه کاری قرار گرفته و انتظار می‌رود بعد از تغییراتی به کنفرانس بین‌المللی که قرار است در سال ۱۹۹۸ تشکیل شود احاله شود؛ و دیگری طرح مربوط به استفاده‌های غیر از کشتیرانی از رودخانه‌های بین‌المللی که به سال ۱۹۹۴ تکمیل شد^{۱۱} و همانند طرح قبلی موضوع مذاکرات جدی بین نمایندگان دولتها در قالب گروه کاری است. چنین به نظر می‌رسد که طرح اخیر کمیسیون واقعیتهای سیاسی را در نظر نگرفته و راه‌حل‌های ارائه شده از جمله اصل استفاده و مشارکت منصفانه و معقول، با مخالفت کشورهای بالادست رودخانه‌های بین‌المللی مواجه شده و انتظار نمی‌رود که در آینده نزدیکی به تصویب برسد.

چنین به نظر می‌رسد که طرح مسؤولیت دولتها نیز که از آغاز فعالیت کمیسیون در دستور کار این رکن قرار دارد و به سال ۱۹۹۶ برای اولین بار به مجمع ارائه شد نیز دارای مشکلات مشابهی است. ماده ۱۹ این طرح که نقض قواعد عمده یا به عبارت دیگری قواعد آمره را جنایت بین‌المللی تلقی می‌کند با مخالفت‌های جدی مواجه می‌باشد. تعدادی از دولتها از جمله دول اروپایی بر این عقیده‌اند که کلیه مفاهیم حقوق داخلی قابل تسری به حقوق بین‌الملل نیست و نمی‌توان با در نظر گرفتن این واقعیت که دولتها از حاکمیت برخوردار می‌باشند برای نقض این گونه قواعد آثار حقوقی قائل شد و مفهوم مسؤولیت کیفری دولتها قابل قبول نمی‌باشد.^{۱۲}

10. James CRAWFORD. "The international criminal court" in american journal of international law, volume 82, n: 2, april 1995, p. 404-416.

11. BOURNE, charles B. "The international Law commission's draft articles on the Law of international watercourses: principles and measures" colorado journal of international environmental law and policy, n: 3, Winter 1992, p. 65-92.

12. HEYDES, markus "The international Law commission's draft articles on state responsibility: draft articles 19 and native american self determination" ,in columbia journal of transnational law, volume 32, n: 1, 1994 p. 155-177

به طور کلی از عکس‌العمل دولت نسبت به طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در طول چهار دهه اخیر می‌توان نتیجه گرفت که بررسی مسائل نوین حقوق بین‌الملل با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود و همکاری نزدیک کمیسیون در این گونه موارد با کمیته شش مجمع که مسئول بررسی گزارش‌های کمیسیون است ضروری به نظر می‌رسد؛ و لازم است که کمیسیون به رهنمودهای این رکن سیاسی مرکب از نمایندگان دولتها که مواضع دولتهای متبوع خود را منعکس می‌نمایند توجه بیشتری معطوف دارد. در این خصوص باید این واقعیت را در نظر داشت که طرح‌های کمیسیون باید حتی‌الامکان کاربردی بوده و به منظور حل مشکلات عملی دولتها تنظیم شود در غیر این صورت باید انتظار داشت که طرح‌های کمیسیون مورد استقبال اکثریت دولتها قرار نگیرند. به همین دلیل انتخاب موضوعاتی که در دستور کار کمیسیون منظور می‌شوند باید با دقت بیشتری و با اجماع تعیین شوند و حتی‌الامکان توسعه تدریجی و تدوین آنها برای جامعه بین‌المللی مفید فایده باشند و از طرف گروهی از دولتها به گروهی دیگر تحمیل نشوند. باید اذعان داشت که در سالهای اخیر برخی از موضوعات انتخابی توسط مجمع عمومی همچون اثرات جان‌شینی دولتها نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی از چنین ویژگی برخوردار است و راه‌حلهای کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه می‌تواند در صورتی که سریعاً ارائه شود در حل معضلات بسیار مؤثر باشد. در مقابل موضوع حق تحفظ به معاهدات که اخیراً در دستور کار کمیسیون قرار گرفته دارای این خصوصیات نیست و در این مورد تفکیک بین معاهدات و برقراری نظام خاصی در حق تحفظ برای معاهداتی، همچون حقوق بشر، منطقی به نظر نمی‌رسد و دستیابی به اجماع در این خصوص بسیار بعید به نظر می‌رسد.

دوم: نقش ارگان‌های متشکل از نمایندگان دولتها در توسعه

تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل

در حال حاضر فعالیت ارگان‌های متعددی در قالب سازمان ملل متحد به نحوی با جریان توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل مرتبط می‌شود. در اینجا صرفاً به بررسی فعالیت آن دسته از ارگان‌های ملل متحد پرداخته می‌شود که به صورت مستقیم به این امر می‌پردازند. به منظور سهولت بیشتر بین ارگان‌های دائمی و موقتی که مسؤول انجام مأموریت‌های ویژه‌ای می‌باشند باید قائل به تفکیک شد.

۱- نقش ارگان‌های دائمی ملل متحد

نقش کمیسیون حقوق بشر به عنوان رکن فرعی شورای اقتصادی اجتماعی و کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل و کمیته بهره‌برداری صلح جویانه از فضای ماورای جو بعنوان ارکان فرعی مجمع عمومی به ترتیب بررسی می‌شود

۱. کمیسیون حقوق بشر

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در اولین سال فعالیت خود با استناد به ماده ۶۸ منشور ملل متحد به منظور ترویج حقوق بشر مبادرت به تأسیس کمیسیون حقوق بشر نمود. هرچند که کلیه دولتها بر ضرورت انتخاب اعضای این کمیسیون از میان زبده‌ترین متخصصین حقوق بشر تأکید داشتند معهداً این سؤال مطرح بود که آیا این افراد باید مستقلاً عمل کنند یا نمایندگی دولتهای متبوع خود را به عهده داشته باشند. نظر به اهمیت موضوع و حساسیت دولت‌ها نسبت به مسائل حقوق بشر که به صورت تنگاتنگی با صلاحیت انحصاری دولتها در سرزمینشان اصطکاک پیدا می‌کند نهایتاً تصمیم گرفته شد که در این خصوص دولتها قبل از تعیین نماینده خود با دبیرکل ملل متحد مشورت کنند.^{۱۳} بدنبال تصمیم

۱۳. قطنامه‌های شماره ۵ و ۹ مجمع عمومی مورخ ۱۶ فوریه و ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶

شورای اقتصادی اجتماعی به سال ۱۹۹۱ تعداد اعضای کمیسیون حقوق بشر به ۵۳ دولت افزایش یافت که با در نظر گرفتن اصل تقسیم عادلانه جغرافیایی از میان دولتهای عضو ملل متحد انتخاب می شوند.

گذشته از تنظیم گزارشهای مربوط به وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف، که وقت زیادی صرف آن می شود، کمیسیون حقوق بشر نقش به سزایی در توسعه تدریجی و تدوین حقوق بشر ایفا نموده است. از جمله دستاوردهای مهم این رکن تنظیم پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید. باید اذعان داشت که هم اکنون برخی از ترتیبات این اعلامیه مبنای عرفی پیدا کرده و کنوانسیونهایی نیز بر مبنای اصول این اعلامیه تدوین شده اند. از این میان می توان به کنوانسیون منع رفتار غیرانسانی و شکنجه مورخ ۱۹۸۴ و همچنین کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ استناد کرد که طرح های اولیه آن توسط کمیسیون برای تصویب به مجمع عمومی ارائه شده بود.

۲. کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت بین الملل

هدف از ایجاد کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۶۶^{۱۴} فراهم نمودن حداکثر هماهنگی در مقررات ناظر بر دادوستدهای تجاری در سطح بین المللی است. این رکن مرکب از ۳۶ عضو است که از میان اعضای ملل متحد توسط مجمع براساس اصل تقسیم عادلانه جغرافیایی انتخاب می شوند. به استثنای مقررات داوری این کمیسیون که توسط محاکم داوری متعددی پذیرفته شده، تنها دستاورد ملموس این کمیسیون، کنوانسیون ملل متحد درباره حمل و نقل کالا از دریا است که موسوم به قواعد هامبورگ می باشد که به سال ۱۹۷۸ به تصویب مجمع عمومی رسید و هم اکنون لازم الاجرا است. دیگر اثر کمیسیون تنظیم طرح کنوانسیون مسؤولیت متصدیان پایانه های حمل و نقل

۱۴. قطعنامه شماره ۲۲۰۵ مجمع عمومی مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۶۶

تجارت بین‌الملل است که در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسیده که تاکنون به علت عدم دستیابی به تعداد اسناد تصویب مورد نیاز به مرحله اجرایی نرسیده است. در حال حاضر کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل سرگرم تهیه پیش‌نویسی در خصوص اصول ناظر بر مبادلات الکترونیکی است که به علت گسترش چشم‌گیر مبادلات با استفاده از این شیوه می‌تواند در آینده نقش بسزایی در ایجاد امنیت قضایی بیشتر در این گونه مبادلات ایفا نماید.

۳. کمیته بهره‌برداری صلحجویانه از فضای ماورای جو

به دنبال پرتاب اولین قمر مصنوعی به فضا توسط اتحاد جماهیر شوروی به سال ۱۹۵۷ به منظور بررسی و پاسخگویی به مسائل حقوقی بفرنجی که بهره‌برداری از فضای ماورای جو مطرح می‌نمود در سال ۱۹۵۸ مجمع اقدام به تأسیس یک رکن فرعی مرکب از نمایندگان دولتهای عضو ملل متحد نمود که در سال ۱۹۵۹ تبدیل به یک رکن دائمی شد.^{۱۵} نظر به خلاء حقوقی موجود، کمیته نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به قواعد حاکم بر فعالیت‌های دولتها در فضای ماورای جو و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در این زمینه داشته است. حاصل فعالیت کمیته در طول چند دهه اخیر، تنظیم پیش‌نویس پنج کنوانسیون است که به تصویب مجمع عمومی رسیده‌اند که عبارتند از: کنوانسیون مربوط به اصول ناظر بر فعالیت‌های مربوط به کاوش و استفاده از فضای ماورای جو مورخ ۱۹۶۷، کنوانسیون مربوط به نجات فضاانوردان و بازگشت آنها مورخ ۱۹۶۸، کنوانسیون راجع به مسؤولیت دولت پرتاب‌کننده اقمار مصنوعی مورخ ۱۹۷۲، کنوانسیون مربوط به ثبت اقمار و سفینه‌های فضایی مورخ ۱۹۷۵ و بالاخره کنوانسیون ناظر بر فعالیت‌ها در کره ماه و دیگر اقمار سماوی مورخ ۱۹۷۹ که آخرین دستاورد کمیته می‌باشد. باور عمومی دولتها بر این واقعیت استوار است که مقررات این کنوانسیون‌ها برای همگان الزام‌آور

۱۵. قطنامه شماره ۱۲۷۲ مجمع عمومی مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۵۹

است و عملاً در مواردی، حتی قبل از لازم الاجرا شدن این کنوانسیون ها به عنوان قاعده عرفی پذیرفته شده اند. در حال حاضر کمیته سرگرم تکوین مقرراتی در خصوص نحوه استفاده از انرژی هسته ای یا ژنراتورهای هسته ای در فضای ماورای جو می باشد، دیگر مسأله ای که توجه این کمیته را به خود معطوف داشته تعیین ضوابطی علمی برای تعریف فضای ماوراء جو و تعیین حدود دقیق آن است.

۱۱ نقش ارگان های موقتی ملل متحد

مجمع در طول حیات خود به کرات به منظور فراهم کردن مقدمات کارکنفرانسهای بین المللی مبادرت به تشکیل گروههای کاری یا کاری متشکل از تعدادی از دول عضو نموده است. تردیدی نیست که بررسی فعالیت و حاصل کار این ارگان های موقتی از حوصله این مقاله خارج است و تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می شود.

از جمله موارد قابل ذکر تشکیل کمیته موسوم به استفاده های صلحجویانه از بستر و زیر بستر دریاها واقع در ماورای مناطق تحت صلاحیت دولت به سال ۱۹۶۸ است. " این کمیته از سال ۱۹۷۰ مأمور مهیا کردن مقدمات سومین کنفرانس حقوق دریاها شد؛ معهدا این کمیته به علت پیچیدگی و بغرنجی مسائل ناشی از پیشرفت فنون بهره برداری از منابع دریاها و اراده برخی از دولتها به گسترش صلاحیت خود در آبهای مجاور سواحل خود موفق به تنظیم طرح کنوانسیون جدیدی در زمینه حقوق دریاها نشد و عملاً حاصل کارش به تهیه فهرست طولی از مسائل قابل رسیدگی در کنفرانس خلاصه شد. در مواردی نیز گروه هایی از طرف مجمع مسؤول تنظیم طرح کنوانسیون هایی می شوند که توسط خود مجمع به صورت ضمیمه قطعنامه هایی به تصویب رسیده و بعد از دستیابی به حد نصاب اسناد تصویب دولتها لازم الاجرا می شوند. بدین ترتیب مجمع عمومی ملل متحد عملاً نقش یک کنفرانس دیپلماتیک را ایفا می کند و

نمایندگان دائم دولتها نزد ملل متحد به عنوان نماینده تام‌الاختیار با رأی مثبت خود به قطعنامه مبادرت به شناسایی متن کنوانسیون می‌کنند. تردیدی نیست که این روش در مقایسه با تکنیک سنتی کنفرانس نیاز به زمان کمتری دارد و طبیعتاً هزینه کمتری در بردارد؛ از جمله کنوانسیون‌هایی که با استفاده از این روش به تصویب رسیده‌اند می‌توان از کنوانسیون مربوط به مزایا و مصونیت‌های ملل متحد مورخ ۱۹۴۶، کنوانسیون مربوط به منع کشتار دسته‌جمعی مورخ ۱۹۴۸، کنوانسیون مربوط به حمایت از ملل متحد و کارگزاران وابسته که به سال ۱۹۹۴ به تصویب مجمع عمومی رسید نام برد.

دیگر روشی که مجمع عمومی ملل متحد در توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل به کار می‌گیرد تنظیم و تصویب اعلامیه‌هایی است که غالباً مبادرت به بسط اصول اساسی منشور ملل متحد می‌نماید. در سالهای اخیر فعالیت کمیته اختصاصی منشور ملل متحد و افزایش کارایی نقش سازمان ملل متحد موسوم به کمیته منشور در جهت تهیه پیش‌نویس چنین اعلامیه‌هایی بوده است. از جمله اعلامیه‌هایی که تاکنون مجمع صادر کرده می‌توان به اعلامیه مربوط به حل و فصل اختلافات موسوم به اعلامیه مانیلا مورخ ۱۹۸۲^{۱۷} اشاره داشت، این اعلامیه با تأکید بر ضرورت ادامه مذاکرات تا حصول راه حل مناسب در حل اختلافات بین‌المللی کوششی در جهت توسعه دامنه اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است؛ به عبارتی این اعلامیه دولتها را تشویق می‌کند که حتی الامکان هیچ اختلافی را لاینحل رها نکنند. همچنین اعلامیه ۱۹۸۸^{۱۸} مربوط به پیشگیری و برطرف کردن اختلافات و وضعیتهایی که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازند و نقش سازمان ملل نیز ترتیباتی را در جهت افزایش نقش دبیرکل ملل متحد در این خصوص پیش‌بینی می‌کند که تحت عنوان دیپلماسی پیشگیرانه دبیرکل شناخته شده است. مورد دیگری که قابل

۱۷. قطعنامه شماره ۱۰ مصوبه سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی به تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲

۱۸. قطعنامه شماره ۵۱ مصوبه چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی به تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۸۸

ذکر می باشد اعلامیه مربوط به فعالیتهای کمیسیون های حقیقت یاب است که به سال ۱۹۹۱ توسط مجمع به تصویب رسیده و شرایط و آیین کار این گونه کمیسیون ها را مشخص می کند. تردیدی نیست که اعلامیه های مذکور که با اجماع به تصویب مجمع می رسند نقش تعیین کننده ای در توسعه تدریجی حقوق بین الملل ایفا می کنند، و دیوان بین المللی دادگستری بر ماهیت اعلامی این گونه قطعنامه ها که منعکس کننده باور عمومی دولتها است تأکید دارد. "در حال حاضر کمیته منشور با الهام از «برنامه ای برای صلح» که بنا به درخواست شورای امنیت توسط دبیرکل در سال ۱۹۹۲ تنظیم شده موضوعاتی همچون نحوه افزایش نقش دیوان بین المللی دادگستری را در دستور کار خود قرار داده است.

نتیجه

در این نوشتار به بررسی اجمالی نقش مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد اکتفا شد. جا دارد که در خاتمه این بحث براین نکته نیز تأکید شود که شورای امنیت و دیوان بین المللی دادگستری نیز بویژه در سالهای اخیر نقش عمده ای در توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل داشته اند. برای مثال قطعنامه های صادره توسط شورای امنیت در طول جنگ دوم خلیج فارس و جنگهای ناشی از فروپاشی یوگسلاوی و بحران های هائیتی و سومالی، در شکل گیری مفهوم مداخله بشردوستانه و تثبیت قواعد ناظر بر درگیریهای مسلحانه بین المللی و غیربین المللی، نقطه عطفی تلقی می شوند. همچنین آراء صادره توسط دیوان در اختلافات مربوط به تحدید حدود مناطق دریایی بخصوص فلات قاره در تکوین ضوابطی به منظور دستیابی به راه حلهای منصفانه به نحوی که در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آمده بسیار مؤثر بوده و مورد استناد دولتها

۱۹. قطعنامه شماره ۵۹ مصوبه چهل و ششمین اجلاس مجمع عمومی به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱

۲۰. پاراگراف ۱۸۸ رأی مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان بین المللی دادگستری در اختلاف بین نیکاراگوئه و ایالات متحده آمریکا

قرار می گیرد.

بطور کلی می توان به این نتیجه دست یافت که سازمان ملل متحد گام های مهمی در جهت توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین الملل و از این رهگذر تضمین صلح و امنیت بین المللی برداشته هرچند که در عمل این جریان در تجدید ساختار و ماهیت و رسالت حقوق بین الملل تأثیر عمده ای نگذاشته و پاسخگوی انتظارات و خواسته های اولیه جهان سوم که می کوشید آن را به ابزاری برای توسعه اقتصادی خود و ایجاد برابری بیشتری بین دولتها تبدیل بنماید ، نبود. عقیم ماندن اقدامات در تعریف حقوقی نظام نوین اقتصادی بین المللی و تکوین قواعد آن گواه این مدعا است.^{۲۱}

21. DHOKALIA R.P. "Reflections on International Law making and its progressive development in the contemporary era of transition" in International Law in transition, Essays in memory of judge NAGENDRA SINGH, martinus nijhoff publishers, 1992. p. 203-229.